

ادوار استنباط از فعلِ معصوم در اندیشه شیعه

(تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۹ - تاریخ تأیید: ۹۶/۸/۳)

مهدی مردانی (گلستانی)*

چکیده

فعلِ معصوم یکی از منابع مهم استنباط است و نقش مؤثری در کشف آموزه‌های دینی دارد. تحلیل استنادات انجام شده به فعلِ معصوم، از اهتمام اندیشمندان شیعه به این منبع استنباط حکایت می‌کند. پژوهش حاضر کوشیده است با نگرشی تحلیلی - تاریخی، میزان کارآمدی فعلِ معصوم در استنباط آموزه‌های دینی را بنمایاند و تطوّر کارایی این منبع استنباط در دوره‌های مختلف را نشان دهد. برآیند ارجاعات انجام گرفته به فعلِ معصوم نشان می‌دهد این مؤلفه حدیثی در سه دوره مختلف مورد توجه اهل بیت علیهم‌السلام، اصحاب و عالمان شیعه بوده و منبع استنباط بوده است. در این میان، بسامد استنادات انجام گرفته به افعال نبوی نسبت به دیگر معصومان، نشان دهنده نقش برجسته پیامبر اسلام در اندیشه شیعه است.

کلیدواژه‌ها: سنّت فعلی، سیره معصومان، استناد به فعلِ معصوم، تاریخ استنباط، حدیث شیعه.

فعلِ معصوم یکی از اجزای تشکیل دهنده سنت است و نقش مهمی در استنباط آموزه‌های دینی دارد. از این رو شایسته است تا با تبیین جایگاه فعلِ معصوم در اندیشه شیعه، زمینه بهره‌گیری بیشتر از آن در استنباط فراهم آید. اما تحقق این مهم، نیازمند آگاهی از پیشینه و سابقه آن است تا وضعیت کارآمدی فعلِ معصوم در تاریخ استنباط را نشان دهد و میزان توجه عالمان شیعه به سنت فعلی را بنمایاند. از این رو لازم است پیشینه مطالعات شیعی در حوزه استنباط از فعلِ معصوم تحلیل شود و میزان اهتمام پیشینیان به این منبع استنباط، ارزیابی گردد. برای این منظور، ادوار استنباط از فعلِ معصوم در سه دوره تاریخی مورد بررسی قرار گرفته است؛ دوره اول - که مربوط به عصر حیات پیامبر ﷺ است - آغازه استناد به فعلِ معصوم می‌باشد و با ارائه نمونه‌هایی از ارجاعات پیامبر ﷺ به افعال انبیای پیشین، «حجیت فعلِ معصوم» در استنباط را نشان داده است؛ دوره دوم - که مربوط به عصر صحابه و ائمه علیهم‌السلام است - با ارائه نمونه‌هایی از ارجاعات اصحاب و اهل بیت علیهم‌السلام به فعلِ پیامبر ﷺ، «مرجعیت فعلِ معصوم» در فهم دین معرفی شده است و دوره سوم - که مربوط به عصر تألیفات عالمان شیعی است - با ارائه گزارشی از پژوهش‌های فقهی و اصولی، «منبعیت فعلِ معصوم» در استخراج و استنباط آموزه‌های دینی عرضه شده است. گفتنی است منظور از معصوم در این تحقیق اعم از انبیاء، پیامبر اسلام و اهل بیت ایشان است که به تناسب دوره‌های یاد شده برخی از نمونه‌های رفتاری ایشان نمایانده شده است. در این باره، غیر از مطالعات موردی و تحلیل‌های موضوعی سیره معصومان اثر مرتب‌شده به دست نیامد؛ تنها مقاله «بازکاوی روش فقهی محقق حلی در استناد به سیره رسول خدا ﷺ» به تحلیل موردی فعلِ پیامبر ﷺ در یکی از منابع فقهی شیعه پرداخته و میزان اعتبار سیره نبوی در استنباط آموزه‌های فقهی را کاویده است که از جهت روش، رویکرد و دامنه با پژوهش حاضر تفاوت دارد.

الف) دوره حجیت فعلِ معصوم

در این دوره، به اعتبار استناد پیامبر ﷺ به افعال انبیای پیشین، حجیت فعلِ معصوم احراز گردیده و به عنوان یکی از منابع استنباط شناخته می‌شود. به عبارت دیگر، رسول خدا ﷺ از یک سو با این دست از ارجاعات، صلاحیت «فعل» را به عنوان منبع اخذ احکام دین تأیید نموده و از سوی دیگر، بر حجیت «فعلِ معصوم» برای استخراج آموزه‌های دینی

صحه گذاشته است.

پیامبر ﷺ و آغاز استناد به فعلِ معصوم

آغاز استناد به فعلِ معصوم به عنوان یک منبع دینی، توسط پیامبر ﷺ و از طریق استناد به فعل انبیای پیشین صورت گرفته است. بر اساس بررسی انجام گرفته، پیامبر ﷺ در استناد به فعلِ معصوم غالباً به چهار روش ذیل عمل کرده‌اند؛ در برخی موارد، ابتدا به بیان حکم مسئله پرداخته و سپس در تأیید آن به یکی از افعال انبیای پیشین استناد کرده‌اند؛ چنان‌که حضرت دربارهٔ فضیلت کار عملی، خوردن طعامی که از طریق تلاش با دست، فراهم آید را برتر دانسته و به فعل حضرت داود عليه السلام استناد نموده‌اند:

هیچ کس غذایی بهتر از آنچه از دسترنج خود فراهم آورد نخورد، همانا نبی خدا داود پیوسته از دسترنج خود غذا می‌خورد.^۱

در برخی موارد، ابتدا خود حضرت به حکم مسئله‌ای عمل نموده و سپس در تأیید آن به فعل انبیا استناد کرده‌اند. چنان‌که رسول خدا ﷺ پس از ازدواج با آمنه دختر ابوسفیان، ولیمه داده و این عمل را از فعل انبیا دانسته است.

زمانی که نجاشی، آمنه دختر ابوسفیان را برای پیامبر خواستگاری کرد و او را به عقد حضرت در آورد، رسول خدا ﷺ ولیمه داد و فرمود: از سنت انبیا، اطعام در هنگام ازدواج است.^۲

همچنین ایشان در مقام داوری بین دو گروه از اصحاب به فعل انبیای پیشین استناد کرده‌اند. برای نمونه، وقتی میان شترداران و گوسفندداران اختلاف در گرفت و شترداران در برابر گوسفندداران گردن‌فرازی کردند، حضرت با استناد به سیرهٔ پیامبرانی چون موسی و داود، گوسفندداران را ترجیح داده و فرمودند:

موسی در حالی به پیامبری برانگیخته شد که گوسفند می‌چرانید و داوود در حالی به پیامبری برانگیخته شد که گوسفند می‌چرانید و من نیز در حالی برانگیخته شدم که در منطقه آبیاد گوسفندان طایفه‌ام را می‌چرانیدم.^۳

گاهی نیز پیامبر ﷺ به فعلِ مشترک میان انبیا استناد کرده و از این طریق بر گفتار یا رفتار خود، تأیید می‌آوردند. مثلاً، حضرت در پاسخ کسی که از ایشان درخواست کرده بود که

^۱. الجامع المسند الصحیح، ج ۲، ص ۷۳۰.

^۲. الکافی، ج ۵، ص ۳۶۷.

^۳. السنن الکبری، ج ۶، ص ۳۹۶.

به ناحق شهادت دهد، به فعل انبیا استناد کرده و از انجام آن خودداری ورزیدند.

مردی از انصار نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: یا رسول الله! شاهد باش که من نخلستانم را به این فرزندم بخشیدم. حضرت فرمودند: آیا فرزند دیگری نیز داری؟ گفت: بله، فرمود: به همه آن‌ها نخلستانی مانند همین نخلستان بخشیدی؟ گفت: نه؛ پیامبر ﷺ فرمودند: ما سلسله پیامبران به چنین ظلمی شهادت نمی‌دهیم.^۱

موارد مذکور، نمونه‌ای از انبوه گزارشاتی است که از استناد پیامبر ﷺ به فعل انبیای پیشین حکایت می‌کند و نشان‌دهنده اعتبار و حجیت فعل معصوم در استناد و استنباط آموزه‌های دینی است.

ب) دوره مرجعیت فعل معصوم

استنادات انجام‌گرفته از سوی اصحاب به افعال پیامبر ﷺ حکایت از آن دارد که فعل معصوم به عنوان مرجع فهم و تفسیر دین شناخته می‌گردید و هر جا ابهام و سؤالی درباره فهم آموزه‌های نبوی پدید می‌آمد به فعل پیامبر ﷺ رجوع می‌کردند. همچنین استنادات پُر شمار اهل بیت علیهم‌السلام به افعال پیامبر ﷺ در مقام استدلال، استشهاد و احتجاج از دیگر نشانه‌های مرجعیت فعل معصوم در این دوره است.

۱. صحابه و استناد به فعل معصوم

پس از پیامبر ﷺ، اصحاب و یاران ایشان با تأسی به سیره حضرت در استناد به فعل انبیا، فعل پیامبر ﷺ را مرجعی دینی شمرده و در مقام فهم و تفسیر آموزه‌های دینی بدان استناد کرده‌اند. افرادی همچون ابن‌عمر، ابن‌عباس، عروة بن زبیر، براء بن عازب، انس بن مالک، ابویوب انصاری و زید بن ارقم از جمله اصحابی بودند که در مقام فهم سنت نبوی و یا تفسیر آن، به فعل پیامبر ﷺ استناد کرده‌اند.

برای مثال، هرگاه ابن‌عمر قصد زیارت خانه خدا را داشت، قبل از ورود به مکه در منطقه ذی طوی سکونت می‌گزید و شب را تا صبح در آنجا سپری می‌کرد، آنگاه پس از طلوع خورشید غسل کرده و وارد مکه می‌شد. وقتی از او علت این فعل را سؤال می‌کردند، چنین پاسخ می‌داد که «پیامبر ﷺ این‌گونه عمل می‌کرد!».^۲

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۶۹.

۲. الجامع المسند الصحیح، ج ۲، ص ۱۸۱؛ المسند الصحیح، ج ۲، ص ۹۱۹.

وی همچنین در خضاب کردن موی صورت^۱ و آداب رمی جمرات^۲ نیز به فعل پیامبر ﷺ استناد کرده و بدان تأسی می‌جست.

از سوی دیگر ابن عباس نیز گاهی درباره رفتارش مورد سؤال قرار می‌گرفت، او به فعل پیامبر ﷺ استناد می‌کرد و در برابر خصم احتجاج می‌نمود. چنان‌که وقتی امیرالمومنین علیه السلام او را برای گفتگو با خوارج عازم کرد، با پوششی آراسته و زیبا بر آنان وارد شد؛ وقتی که خوارج از او درباره لباسش سؤال کردند، به فعل پیامبر ﷺ استناد کرد و آراستگی حضرت را دلیل بر رفتار خود شمرد.

زمانی که حروریه (خوارج) خروج کردند نزد علی علیه السلام رفتم؛ پس فرمود: نزد این قوم برو! آنان را موعظه کن؛ پس بهترین لباس‌های یمنی را پوشیدم و نزدشان رفتم؛ گفتند: خوش آمدی ابن عباس! این لباس [فاخر] چیست؟ پاسخ داد: بر من خرده نگیرید چرا که رسول خدا ﷺ را دیدم که بهترین لباس‌ها را بر تن داشت.^۳

همچنین استناد انس بن مالک و ابو ایوب انصاری به فعل پیامبر ﷺ در نماز گزاردن بر میّت مرد و زن و چگونگی شستن سر به هنگام احرام از دیگر مواردی است که از نقش دین‌شناسانه فعل پیامبر ﷺ نزد اصحاب حکایت می‌کند. چنان‌که ابوغالب می‌گوید:

به همراه انس بن مالک بر جنازه مردی نماز می‌خواندم که انس در برابر سر آن مرد ایستاد؛ پس از آن جنازه زنی از قریش را آوردند و گفتند: ای ابوحمزه بر او نماز بخوان؛ انس در برابر قسمت میانه آن جنازه ایستاد؛ علاء بن زیاد از او سؤال کرد: آیا پیامبر ﷺ را دیدی که در برابر جنازه زنان و مردان بدین‌گونه که تو ایستادی، بایستد؟ انس گفت: آری.^۴

همچنین از عبدالله بن عباس و مسوره بن مخرمه نقل شده است که:

آن دو در ابواء با یکدیگر به اختلاف برخوردند؛ ابن عباس گفت: مُحرم سرش را می‌شوید و مسوره گفت: مُحرم سرش را نمی‌شوید. ابن عباس مرا نزد ابویوب انصاری فرستاد تا در این مورد از او سؤال کنم. او را در میان دو شاخه که با پارچه‌ای پوشانده شده بود، یافتم که غسل می‌کرد؛ بر او سلام کردم و گفتم: عبدالله بن عباس مرا نزد تو فرستاده تا از تو سؤال کنم که آیا رسول خدا ﷺ زمانی که مُحرم بود، سر خود را می‌شست؟ ابویوب دست خود را روی پارچه قرار داد و با آرامی پایین آورد تا اینکه سرش نمایان گشت؛ پس به فردی که روی او آب می‌ریخت گفت: آب بریز؛ آنگاه سر خود را با دستانش حرکت داد و به

۱. السنن الکبری، ج ۸، ص ۳۲۹.

۲. الجامع المسند الصحیح، ج ۲، ص ۱۷۸.

۳. سنن ابی داود، ج ۴، ص ۴۵.

۴. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۷۹.

جلو و عقب برد و گفت: من دیدم که پیامبر ﷺ این چنین می‌کرد.^۱

۲. ائمه علیهم السلام و استناد به فعل معصوم

اهل بیت پیامبر ﷺ که آگاه‌ترین افراد به سنت نبوی و پیشگام‌ترین آن‌ها در تأسی به سیره پیامبر ﷺ بودند، بیش از همه نیز به مرجعیت فعلی پیامبر ﷺ در فهم و برداشت دین اذعان داشتند. گواه این امر، استنادات فراوان و پُرشماری است که در موقعیت‌های مختلف از سوی امامان معصوم به فعل پیامبر ﷺ صورت گرفته است. برای نمونه، امیرالمومنین علیه السلام در موضوعاتی همچون: «سنت تحنیک (کام برداشتن نوزاد)»^۲، «آموزش آداب وضو»^۳ و نیز «نوشیدن آب در حال ایستاده»^۴ به فعلی پیامبر ﷺ استناد کرده و به تبیین احکام دین پرداخته‌اند. چنان‌که حضرت در آداب تولد فرزند و باز کردن کام او فرمود: کام نوزادان را با خرما شیرین کنید که پیامبر ﷺ با حسن و حسین علیه السلام چنین کرد.^۵

همچنین امام باقر علیه السلام در توصیه به یکی از یارانش درباره سادگی زیستی، با ترسیم ویژگی‌های زندگی پیامبر ﷺ، فعل ایشان را ملاک عمل معرفی کرده و می‌فرماید:

مبادا به بالادست خود چشم بدوزی که در این باره، آنچه خدای عزوجل به پیامبرش فرمود بس است، از مال‌ها و فرزندان‌شان در شگفت نشو و دیدگان خویش را به آن چیزها که رونق زندگی دنیاست و به گروهی از ایشان داده‌ایم، نگران مساز که آن شکوفه زندگی دنیاست. پس اگر درباره این موضوع تردید نمودی زندگی رسول خدا ﷺ را بیاد آور که خوراکش جو و حلواش خرما و سوختش شاخه درخت خرما بود، اگر پیدا می‌کرد.^۶

امام صادق علیه السلام نیز در موضوعات مختلفی به فعلی پیامبر ﷺ استناد نموده و از این طریق به تبیین آموزه‌های دینی پرداختند. برای نمونه، ایشان در مسائلی نظیر «تشویق به شوخی با برادر دینی»^۷، «تقسیم بالسویه بیت‌المال»^۸، «جواز غسل زن و شوهر با ظرف واحد»^۹ و

۱. السنن الکبری، ج ۴، ص ۲۲.

۲. الکافی، ج ۶، ص ۲۴.

۳. الأمالی، ص ۲۶۷.

۴. الجامع المسند الصحیح، ج ۷، ص ۱۱۰.

۵. الکافی، ج ۶، ص ۲۴.

۶. الکافی، ج ۲، ص ۱۳۷.

۷. همان، ص ۶۶۳.

۸. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۴۶.

۹. الکافی، ج ۳، ص ۱۰.

«آداب خاک سپاری فرزند توسط پدر»^۱ به فعلی پیامبر ﷺ استناد کرده‌اند. برای مثال، ایشان در باب تشویق به مزاح و شوخی با برادران دینی به یکی از یاران خود فرمود:

شوخی کردن شما با یکدیگر چگونه است؟ عرض کردم: اندک است، فرمود: این‌گونه نباشید زیرا شوخی از خوش خلقی است و تو بدین وسیله برادرت را خوشحال و مسرور می‌کنی. هرآینه رسول خدا ﷺ با شخصی شوخی می‌کرد و قصدش آن بود که او را مسرور سازد.^۲

امام کاظم علیه السلام نیز در مواردی چون «فضیلت کار با دست»^۳، «جواز قرار گرفتن مُحرم در سایه»، «فضیلت خضاب و زینت برای مردان»^۴ و «تشویق به مزاح و شوخی»^۵ با استناد به فعلی پیامبر ﷺ به تبیین احکام دین پرداخته‌اند. برای مثال، محمد بن فضیل نقل می‌کند:

در اتاق یحیی بن خالد در مکه بودیم و ابوالحسن علیه السلام نیز آنجا بود. ابویوسف برخاست و در برابر حضرت چهار زانو نشست و گفت: فدایت شوم، آیا مُحرم می‌تواند در سایه چیزی بنشیند؟ فرمودند: نه. گفت: آیا می‌تواند در سایه دیوار، محمل، خانه یا خیمه قرار بگیرد؟ فرمود: آری! ابویوسف خنده تمسخرآمیزی کرد. ابوالحسن علیه السلام فرمود: ای ابویوسف! قیاسی چون قیاس تو و همراهانت در دین صحیح نیست... پیامبر ﷺ در هنگام احرام از چیزی برای خود سایه نمی‌ساخت؛ اما داخل خانه و یا خیمه می‌شد و یا در سایه دیوار و محمل قرار می‌گرفت. ما نیز آن‌گونه که پیامبر ﷺ انجام داد، عمل کردیم.^۶

امام رضا علیه السلام نیز در موضوعاتی مانند «علاقه زیاد به خرما»^۷ و «کیفیت برگزاری نماز عید فطر»^۸ به فعلی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام استناد کرده و بر پایه آن از رفتار خویش دفاع نموده‌اند. برای نمونه سلیمان بن جعفر نقل می‌کند:

بر امام رضا علیه السلام وارد شدم، خرمای برنی در پیش روی آن حضرت بود و ایشان با میل زیاد می‌خورد. پس به من فرمود: یا سلیمان! بیا نزدیک و بخور. من نزدیک شدم و با حضرت خرما خوردم و به وی عرض کردم: فدایت کردم، می‌بینم که با میل زیادی خرما می‌خوری!

۱. همان، ص ۱۹۳.

۲. همان، ج ۲، ص ۶۶۳.

۳. همان، ج ۵، ص ۷۵.

۴. همان، ص ۵۶۷.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۶۶۳.

۶. همان، ج ۴، ص ۳۵۲.

۷. همان، ج ۶، ص ۳۴۶.

۸. قصص الانبیاء، ص ۸۱۴.

فرمود: بله؛ من خرما دوست دارم. عرض کردم: چرا؟ فرمود: چون رسول خدا ﷺ اهل خوردن خرما بود و امیرالمومنین علیه السلام و حسن بن علی علیه السلام و حسین بن علی علیه السلام و زین العابدین علیه السلام و ابوجعفر علیه السلام، ابوعبدالله علیه السلام، پدرم و من اهل خوردن خرما هستیم...^۱

ج) دوره منبعبیت فعل معصوم

پس از دو دوره نخست که کارکرد فعل معصوم بیشتر در قالب استناد و ارجاع به افعال انبیای سلف و پیامبر اسلام ﷺ ظهور داشت، در دوره سوم و عصر تدوین روایات و متون دینی، کارایی فعل معصوم از حالت بسیط خارج شد و در قالب یک منبع استنباط و یا دلیل معتبر ظاهر گشت؛ اما صاحبان آثار یادشده نگاه مشترکی به سنت فعلی نداشتند و انعکاس گزاره‌های مرتبط با فعل معصوم در آن‌ها متنوع و مختلف بوده است. از این رو، پی‌جویی رویکرد اندیشمندان شیعه به فعل معصومان و نیز شناسایی نگره‌های سنت‌شناسانه آنان، تأثیر به‌سزایی در شناخت پیشینه سیره‌پژوهی شیعه و زمینه‌سازی برای توسعه و گسترش آن خواهد داشت. در این بخش، به صورت موردی، کارکرد فعل معصوم در دو دانش فقه و اصول فقه را کاویده و به انعکاس رویکرد فقها و اصولیون به سنت فعلی پرداخته شده است. شایان ذکر است که در این دوره، میزان استناد عالمان شیعه به رفتار پیامبر ﷺ بیش از سایر معصومان بوده و این از یک سو، حکایت از واقعیت خارجی مطالعات فقهی شیعه دارد و از سوی دیگر نشانگر گستره تأثیرگذاری سیره پیامبر ﷺ در استنباط است.

۱. پژوهش‌های فقهی

پژوهش‌های فقهی شیعه به جهت میزان توجه به فعل معصوم و بهره‌گیری از آن، در سه دوره مختلف قابل بررسی است که از خلال آن می‌توان میزان کارایی سنت فعلی در استنباط آموزه‌های فقهی را به دست آورد. این سه دوره به لحاظ تاریخی شامل دوره متقدم (از آغاز غیبت کبری تا قرن پنجم هجری)، دوره میانی (از قرن ششم تا دهم هجری) و دوره متأخر (از قرن یازدهم تا پانزدهم هجری) می‌گردد. در هر دوره، برخی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین آثار فقهی شیعه مورد بررسی قرار گرفته است.

۱.۱. دوره متقدم

در این دوره که بزرگانی چون شیخ صدوق (۳۸۱ق)، سید مرتضی (۴۳۶ق) و شیخ طوسی

(۴۶۰ق) قرار دارند، فعل معصوم به عنوان یک دلیل معتبر مورد استناد قرار گرفته و منبعی برای استنباط آموزه‌های فقهی به شمار آمده است. برای نمونه، شیخ صدوق در باب مکان قربانی و درباره این مسئله که اگر حاجی مضطر گردد و نتواند قربانی خود را به قربان‌گاه برساند آیا می‌توان در مکان دیگری آن را ذبح نماید؟ با استناد به فعل پیامبر ﷺ در صلح حدیبیه، حکم به جواز ذبح قربانی در مکان اضطرار داده است. مرحوم صدوق می‌نویسد:

کسی که محاصره شده و کسی که مضطر است، می‌تواند شتر خود را در همان مکان اضطرار نحر کند. چنان‌که پیامبر ﷺ در صلح حدیبیه زمانی که مشرکان شترهایش را برگرداندند، دستور داد شتر را همان جا نحر کنند.^۱

همچنین سید مرتضی درباره وجوب تلبیه و در برابر قول کسانی که تلبیه را واجب ندانسته و مجرد نیت را برای ورود به حرم کافی شمرده‌اند، به فعل پیامبر ﷺ استناد کرده و آن را دلیل فتوای خود ذکر کرده است. سید می‌گوید:

از مسائلی که به امامیه اختصاص دارد، وجوب لبیک در هنگام احرام است که امامیه معتقد است احرام بدون آن کامل نمی‌شود... در این مورد می‌توان این‌گونه استدلال نمود که وجوب حج در قرآن مجمل است و هرگاه فعل پیامبر ﷺ در مقام بیان وارد شود واجب خواهد بود... همه روایت کرده‌اند زمانی که پیامبر ﷺ محرم می‌شد، لبیک می‌گفت؛ بنابراین تلبیه واجب است.^۲

همچنین شیخ طوسی در آداب نماز خوف و در شرایطی که امکان نمازگزاردن به اشاره نیز وجود نداشته باشد، با استناد به فعل امیرالمومنین علیه السلام در لیلۃ الهمیر، حکم به کفایت ذکر تسبیح به جای هر رکعت نماز داده است. مرحوم شیخ می‌نویسد:

هنگامی که ترس فزونی یابد و نمازگزار نتواند با اشاره نماز بخواند، می‌تواند بجای هر رکعت تنها یک تسبیح بگوید که آن سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر است. چنانکه امیرالمومنین علیه السلام در لیلۃ الهمیر نیز چنین کرد.^۳

این‌ها، نمونه‌ای از استناد فقهای دوره متقدم به فعل معصوم است. ایشان در موارد متعدد دیگری نیز به فعل معصوم استناد کرده و از آن به عنوان دلیل و منبع افتا بهره برده‌اند.^۴

۱. المقنع، ص ۲۴۴.

۲. الإیتصار فی انفرادات الإمامی، ص ۲۵۳.

۳. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۱۶۶.

۴. رسائل الشریف المرتضی، ج ۱، ص ۱۵۷؛ همان، ص ۲۶۹؛ الخلاف، ج ۲، ص ۶۱، ۳۲۶، ۳۲۸ و ۳۴۲.

۱.۲. دوره میانی

در این دوره فقهای مانند محقق حلی (۶۷۶ق)، علامه حلی (۷۲۶ق)، شهید اول (۷۸۶ق)، محقق کرکی (۹۴۰ق) و شهید ثانی (۹۶۶ق) قرار دارند که در موارد متعددی به فعل معصوم استناد کرده و از آن در استنباط آموزه‌های فقهی بهره برده‌اند. برای مثال، محقق حلی در باب کفن میت و هنگامی که کفن به اندازه کافی وجود نداشته باشد، با استناد به فعل پیامبر ﷺ آورده است:

اگر کفن میت کم بیاید سر او را می پوشانند و پاهای وی را با برگ یا چیز دیگری می پوشانند چنان که پیامبر ﷺ با حمزه چنین کرد.^۱

وی همچنین در موضوعاتی نظیر «آداب وضو»^۲، «لباس نماز گزار»^۳، «قرائت نماز»^۴ و «وجوب رکوع در نماز»^۵ به فعل پیامبر ﷺ استناد کرده و بر پایه آن استدلال کرده است.

علامه حلی نیز در شماری از آثار فقهی خود به ویژه تذکرة الفقهاء و منتهی المطلب به فعل پیامبر ﷺ استناد کرده و از آن برای استنباط بهره جسته است. مثلاً، وی در باب دفن میت و درباره شهیدی که در معرکه جان سپارد، با استناد به فعل پیامبر ﷺ نسبت به شهدای جنگ احد، حکم به عدم وجوب غسل و کفن داده است. ایشان می نویسد:

همه علمای ما بر این باورند که شهیدی که در میدان جنگ جان سپارد، نیازی به غسل و کفن ندارد. جز حسن و سعید بن مسیب که غسل را برای شهید واجب دانسته و معتقدند که میت همواره جنب از دنیا می رود. لکن سیره پیامبر ﷺ برای پیروی سزاوارتر است و ایشان دستور دادند شهدای احد را [بدون غسل و کفن] دفن کنند.^۶

وی همچنین در موضوعاتی مانند «لزوم دفن میت نفساء»^۷، «وجوب خطبه نماز جمعه»^۸، «کیفیت صیغه تکبیر الاحرام»^۹، «محل قنوت در نماز»^{۱۰}، «جواز دفن دو یا سه نفر

۱. المعتبر فی شرح المختصر، ج ۱، ص ۳۳۱.

۲. همان، ص ۱۵۵.

۳. همان، ج ۲، ص ۹۳.

۴. همان، ص ۱۵۳.

۵. همان، ص ۱۹۲.

۶. تذکرة الفقهاء، ج ۱، ص ۳۷۱.

۷. همان، ص ۳۷۴.

۸. همان، ج ۴، ص ۶۲.

۹. منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۵، ص ۲۹.

۱۰. تذکرة الفقهاء، ج ۳، ص ۲۵۸.

در یک قبر^۱، «استحباب علامت نهادن بر حیوان صدقه»^۲، «جواز سجده بر نباتات»^۳، «وجوب طمأنینه در رکوع»^۴، «تخیر امام جماعت بین نماز گزاردن بر اموات به صورت جمعی یا انفرادی»^۵ و... به فعل پیامبر ﷺ استناد کرده و از آن برای اثبات دیدگاه خویش بهره برده است.

شهید اول نیز در موارد متعددی از دو کتاب *الدروس الشرعية* و *ذکری الشیعة* به فعل معصوم استناد کرده و از آن به عنوان منبع استنباط استفاده کرده است. مثلاً، وی با استناد به فعل پیامبر ﷺ در انتصاب امیرالمومنین ع به عنوان متولی موسم حج در سال نهم هجری، به لزوم حضور امام یا نماینده او در موسم حج فتوا داده است^۶ و یا با تکیه بر اقدام پیامبر ﷺ به قراردادن علامت بر روی قبر عثمان بن مظعون، حکم به استحباب نشان دارکردن قبر مومن داده است. او می نویسد:

مستحب است در بالای سر میت با سنگ و یا چوب علامت گذاشته شود، تا زیارتش کنند و برای او رحمت بخواهند. آنچنان که پیامبر ﷺ به مردی دستور داد که سنگی بیاورد تا قبر عثمان بن مظعون شناخته شود. او نتوانست این کار را انجام دهد، پس رسول خدا ﷺ آستین های خود را بالا زد و سنگ را در بالای سر قبرش قرار داد.^۷

وی همچنین در موضوعاتی چون «استحباب جهر به تکبیرة الاحرام برای امام جماعت»^۸، «استحباب تخلیل شعر به هنگام وضو»^۹، «استحباب تجدید وضو برای نماز»^{۱۰}، «وجوب قرائت بسم الله قبل از فاتحه»^{۱۱}، «وجوب قرائت سوره کامل در رکعت اول و دوم»^{۱۲}،

۱. تذکرة الفقهاء، ج ۴، ص ۲۴۸.

۲. همان، ج ۵، ص ۳۲۱.

۳. منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۴، ص ۳۶۶.

۴. همان، ج ۵، ص ۱۱۸.

۵. همان، ج ۷، ص ۳۵۵.

۶. الدروس الشرعية فی الفقه الإمامیة، ج ۱، ص ۴۹۵.

۷. ذکری الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۲، ص ۲۹.

۸. همان، ج ۱، ص ۴۵۸.

۹. همان، ج ۲، ص ۱۲۷.

۱۰. همان، ص ۱۹۵.

۱۱. همان، ج ۳، ص ۲۹۸.

۱۲. همان، ص ۳۰۰.

«استحباب تکبیر قبل از سجده»^۱ و... به فعل پیامبر ﷺ استناد جسته است.

محقق کرکی نیز همچون فقهای پیشین به فعل معصوم به عنوان یک منبع استنباط نگریسته و در مواضع مختلف بدان استناد کرده است. برای مثال، وی با استناد به فعل پیامبر ﷺ و ائمه اهل بیت، استقبال قبله در نمازهای مستحب را واجب دانسته و آن را شرط شرعی نماز شمرده است.^۲ وی همچنین با استناد به فعل پیامبر ﷺ و امام صادق علیه السلام گفتن ذکر تکبیر قبل از سجده و در حال بلندکردن دستان را مستحب شمرده است.^۳

شهید ثانی نیز در شماری از آثار خود به فعل معصوم استناد کرده و بر پایه آن بر آرای فقهی خویش استدلال نموده است؛ چنان که وی با استناد به فعل پیامبر ﷺ و حضرت زهرا علیه السلام، شرط واقف در بهره‌مندی اهل بیتش از مال وقفی را جایز شمرده است.^۴ همچنین با استناد به فعل پیامبر ﷺ، اذان نماز عصر و عشا را، در صورتی که با ظهر و مغرب خوانده شود، ساقط دانسته است.^۵ وی در دیگر مسائل فقهی نیز به فعل معصوم استناد کرده و از آن در فتاوی خود بهره گرفته است.^۶

۱،۳. دوره متأخر

در این دوره، شمار زیادی از فقهای بنام شیعه چون، محقق سبزواری (۱۰۹۰ق)، محسن فیض کاشانی (۱۰۹۱ق)، شیخ یوسف بحرانی (۱۱۸۶ق)، ملا مهدی نراقی (۱۲۰۹ق) و ملا احمد نراقی (۱۲۴۵ق)، میرزای قمی (۱۲۳۲ق)، شیخ محمدحسن نجفی (۱۲۶۶ق)، شیخ مرتضی انصاری (۱۲۸۱ق)، آقارضا همدانی (۱۳۲۲ق) و سید ابوالقاسم خویی (۱۴۱۳ق) قرار دارند که هر یک با تفاوت آراء و مبانی که داشتند به افعال معصوم استناد کرده و از آن در استنباط و استدلال بر آموزه‌های فقهی بهره گرفته‌اند.

برای مثال، محقق سبزواری درباره دلیل استحباب نوافل، به فعل پیامبر ﷺ استناد

۱. همان، ص ۳۹۳.

۲. جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۲، ص ۶۰.

۳. همان، ص ۳۰۵.

۴. الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، ج ۳، ص ۱۷۲.

۵. الفوائد المليية لشرح الرسالة النقلية، ص ۱۳۴.

۶. روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان، ج ۱، ص ۳۰۱ و ج ۲، ص ۵۱۸ و ۸۱۱؛ الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، ج ۱،

ص ۴۸۹ و ج ۲، ص ۳۹۰ و ج ۳، ص ۱۷۲؛ الفوائد المليية لشرح الرسالة النقلية، ص ۱۹۴، ۲۰۱ و ۲۰۸.

کرده^۱ و فیض کاشانی در برخی مسائل نماز جمعه نظیر «وجوب تقدیم خطبه بر نماز»، «وجوب قیام خطیب» و «وجوب قرائت فاتحه»، فعل پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام را مستند قرار داده است.^۲ شیخ یوسف بحرانی (صاحب حدائق) در باب جواز سجده بر غیر زمین، با استناد به فعل پیامبر ﷺ آن را جایز شمرده است^۳ و ملا مهدی نراقی نیز مستند اموری چون «استحباب اسباغ وضو»^۴ و «جواز دفن میت در شب»^۵ را افعال پیامبر ﷺ و امیرالمومنین علیهم السلام بر شمرده و بر پایه آن استدلال کرده است.

شیخ محمدحسن نجفی (صاحب جواهر الکلام) نیز در موارد متعددی از جمله «آداب تشییع جنازه» به فعل معصوم استناد کرده و با تکیه بر آن، قایل به رجحان حرکت تشییع کنندگان در پشت جنازه شده است.^۶ وی همچنین درباره «عدم شرط تعدد در شستن نجاست کودک»، فعل پیامبر ﷺ را دلیل معرفی کرده است و در باب وجوب طمأنینه در رکوع، به فعل پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام به عنوان مؤید استناد کرده است.^۷

شیخ انصاری نیز درباره «تعیین وقت نماز عصر»^۸ و «وجوب طمأنینه در رکوع»^۹ از فعل پیامبر ﷺ در اثبات دیدگاه خویش بهره گرفته است. آقارضا همدانی در باب «لزوم چهار در نمازهای شبانه» به فعل پیامبر ﷺ استدلال کرده است.^{۱۰} آیت الله خویی نیز با استناد به فعل پیامبر ﷺ نسبت به حمزه سید الشهداء و امیرالمومنین علیهم السلام نسبت به سهل بن حنیف، «تکرار نماز میت» را جایز شمرده است.^{۱۱} و در باب «زمان غسل شب‌های خاص»، با استناد به فعل پیامبر ﷺ، وقت بین مغرب و عشا را ترجیح داده است.^{۱۲}

۱. ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد، ج ۲، ص ۲۱۵.

۲. معتصم الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۱، ص ۱۱۲ و ۱۱۳ و ج ۳، ص ۲۱.

۳. الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، ج ۷، ص ۲۵۹.

۴. معتمد الشیعة فی احکام الشریعة، ص ۱۸۵.

۵. همان، ص ۴۱۸.

۶. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۴، ص ۲۶۷.

۷. همان، ج ۱۰، ص ۱۶۶.

۸. کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۶۰.

۹. همان، ج ۲، ص ۱۴.

۱۰. مصباح الفقیه، ج ۱۲، ص ۲۴۹.

۱۱. موسوعة الامام الخوئی، ج ۹، ص ۲۷۵.

۱۲. همان، ج ۱۰، ص ۳۹.

چنان‌که پیداست بیشترین استنادات فقهای شیعه به افعال پیامبر ﷺ بوده است و این نشان از مرجعیت رفتار نبوی در بین سیره معصومان ﷺ دارد و بیان‌گر نقش برجسته آن در استنباط آموزه‌های فقهی است.

۲. پژوهش‌های اصولی

پژوهش‌های اصولی شیعه درباره فعل معصوم، ماهیتی نظری داشته و بیشتر مبانی و مسائل علمی آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. این پژوهش‌ها به جهت میزان توجه به فعل معصوم و نقش آن در استنباط، هم‌داستان نبوده و نتایج یکسانی نداشته‌اند. چنان‌که پژوهش‌هایی که در دوره متقدم (تا قرن پنجم هجری) تألیف شده‌اند، بر حجیت فعل معصوم پای فشرده و از آن به‌عنوان یکی از منابع استنباط یاد کرده‌اند. برای مثال سید مرتضی (ق ۴۳۶) در کتاب *الذریعة إلى أصول الشریعة* و شیخ طوسی (ق ۴۶۰) در کتاب *العدة فی أصول الفقه* به طرح عنوان مستقل افعال معصوم پرداخته و ضمن پذیرش نقش منبع‌شناسانه آن در استنباط، به طرح مسائلی مانند ماهیت فعل معصوم، اختصاصی بودن برخی از افعال پیامبر ﷺ، و جوب تأسی به فعل پیامبر ﷺ و شرایط آن، اقسام افعال پیامبر ﷺ و دلالت آن‌ها و امکان تعارض افعال معصوم پرداختند.^۱

اما پژوهش‌هایی که در دوره میانی (تا قرن دهم هجری) تألیف شده‌اند با بررسی تطبیقی فعل و قول معصوم و طرح مسائلی درباره میزان دلالت فعل معصوم، قایل به دامنه محدود کارآمدی فعل معصوم در استنباط شده‌اند.^۲ چنان‌که محقق حلی (ق ۶۷۶) در کتاب *معارض الأصول*، علامه حلی (ق ۷۲۶) در کتب سه‌گانه خود *مبادی الوصول إلى علم الأصول*، *تهذیب الوصول إلى علم الأصول*، *نهایة الوصول إلى علم الأصول* و شهید ثانی (ق ۹۶۶) در کتاب *تمهید القواعد* با طرح مسائلی مانند معنای تأسی به پیامبر ﷺ، ترجیح بین قول و فعل در مقام تعارض، تفاوت بیان بودن قول و فعل، دلالت فعل پیامبر ﷺ بر حکم و...، کارکرد فعل معصوم در استنباط را کاویده و گستره دلالت آن بر احکام را مورد نقد قرار داده‌اند.^۳ با این همه، حجیت فعل معصوم و نقش منبعیت آن در استنباط آموزه‌های دینی، دیدگاه

۱. *الذریعة إلى أصول الشریعة*، ج ۲، ص ۸۶-۱۲۷؛ *العدة فی أصول الفقه*، ج ۲، ص ۵۶۱-۵۹۹.

۲. *تهذیب الوصول إلى علم الأصول*، ص ۱۷۴.

۳. *نهایة الوصول إلى علم الأصول*، ج ۲، ص ۵۲۵-۵۷۹.

مشترک این دوره با دوره قبل است.

پژوهش‌هایی که در دوره متأخر (تا قرن پانزدهم هجری) تألیف شده‌اند عمدتاً با رویکردی حداقلی، کارکرد دلالتی فعل را به چالش کشیده و با تقسیم افعال معصوم به تشریحی و غیر تشریحی، در امکان توسعه استنباط از فعل معصوم، تردیدی جدی وارد نمودند.^۱ البته اینان همگی در این نگره هم‌داستان نبودند و برخی با توسعه قلمرو حجیت فعل معصوم، سهم بیشتری برای فعل معصوم قایل شده‌اند.^۲ برای نمونه، وحید بهبهانی (۱۲۰۵ق) در *الفوائد الحائریة*، ملا مهدی نراقی (۱۲۰۹ق) در *تجريد الأصول و انیس المجتهدین فی علم الأصول*، میرزای قمی (۱۲۳۱ق) در *القوانین المحکمة*، محمدحسین حائری اصفهانی (۱۲۵۴ق) در *الفصول الغروية فی الأصول الفقهيّة*، محمدجواد مغنیه (۱۴۰۰ق) در *علم أصول الفقه فی ثوبه الجديد و محمدتقی حکیم* (۱۴۲۳ق) در *الأصول العامة فی الفقه المقارن* از جمله اصولیانی هستند که با طرح مسائلی مانند «اصل در دلالت افعال معصوم»، «امکان تعارض بین افعال معصوم»، «تقریر معصوم»، «امکان نسخ و تخصیص با فعل»، «اصل تشریح در فعل معصوم»، «وجوه فعل معصوم»، «گستره دلالت فعل معصوم» و... به بررسی مسائل فعل پرداخته و با توجه به شئون مختلف معصوم (ولایی، حکومتی، اختصاصی و...) میزان کارایی آن را مورد بحث قرار دادند.^۳

با این همه، بررسی اجمالی همه آثار اصولی شیعه، چنین به دست می‌دهد که حجیت فعل معصوم به عنوان یکی از اجزای سنت، وجه مشترک همه پژوهش‌های یادشده است و در حقیقت، کارکرد فعل معصوم در استنباط به صورت یک پیش‌انگاره اصولی مورد پذیرش قرار گرفته است؛ لکن در میزان گستره آن اختلاف نظر بوده و عموماً به کارکرد حداقلی آن رضایت داده‌اند.

۱. انیس المجتهدین فی علم الأصول، ج ۱، ص ۳۱۵؛ تعلیقه علی معالم الأصول، ج ۵، ص ۴۲۷.

۲. الاصول العامة فی الفقه المقارن، ص ۲۲۲؛ بیان الأصول، ج ۱، ص ۳۰۵.

۳. الفوائد الحائریة، ص ۳۱۵-۳۱۹؛ تجريد الأصول، ص ۶۷-۷۱؛ القوانین المحکمة فی الأصول، ص ۵۵۰-۵۶۷؛ الفصول الغروية فی الأصول الفقهيّة، ص ۳۱۳-۳۱۶.

نتیجه‌گیری

سنت فعلی به عنوان یکی از منابع استنباط، نقش مؤثری در استخراج آموزه‌های دینی دارد که به دلیل عدم شناخت ظرفیت و میزان کارآمدیش، آنگونه که بایسته است، مورد استناد اندیشمندان قرار نگرفته است.

برآیند مطالعه ارجاعات ائمه علیهم‌السلام، اصحاب و عالمان شیعه به فعلِ معصوم نشان می‌دهد که افعال پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بیشترین سهم را در استنباط آموزه‌های دینی داشته است و اکثر استنادات شیعی به فعل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده است.

تاریخ استنباط از فعلِ معصوم سه دورهٔ مختلف را پشت سر گذاشته است؛ دورهٔ اول، دورهٔ حجیت فعلِ معصوم است که با ارجاعات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به افعال انبیای پیشین شکل گرفته است؛ دورهٔ دوم، دورهٔ مرجعیت فعلِ معصوم بوده و با ارجاعات اصحاب و اهل بیت علیهم‌السلام به فعلِ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، تحقق یافته است و دورهٔ سوم، دورهٔ منبعیت فعلِ معصوم است که در پژوهش‌های فقهی و اصولی شیعه رخ نشان داده است.

از مجموع استنادات انجام‌گرفته به فعلِ معصوم چنین به دست می‌آید که فعلِ معصوم به عنوان یک منبع معتبر تلقی شده و اصل کارآمدی آن در استنباط به صورت پیش فرض مورد قبول اندیشمندان شیعه بوده است.

کتاب‌نامه

۱. *الأصول العامة فى الفقه المقارن*، سيد محمدتقى حكيم، قم: مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام)، ۱۴۱۸ق.
۲. *الإمامی*، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، قم: کنگره هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۳. *الإنتصار فى انفرادات الإمامیه*، علی بن حسین (سید مرتضی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ق.
۴. *أنیس المجتهدین فى علم الأصول*، محمدمهدى نراقی، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۸ق.
۵. *بیان الأصول*، سید صادق حسینی شیرازی، قم: دار الانصار، ۱۴۲۷ق.
۶. *تجريد الأصول*، محمدمهدى نراقی، قم: سید مرتضی، ۱۳۸۴ق.
۷. *تذكرة الفقهاء*، حسن بن یوسف (علامه حلی)، قم: مؤسسة آل البيت (علیهم‌السلام)، ۱۳۸۸ق.
۸. *تعليقة على معالم الأصول*، علی موسوی قزوینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۷ق.
۹. *تمهيد القواعد*، زین الدین بن نورالدین علی بن احمد عاملی (شهید ثانی) قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۶ق.
۱۰. *تهذيب الاحكام*، محمد بن حسن طوسی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۱. *تهذيب الوصول الى علم الأصول*، حسن بن یوسف (علامه حلی)، لندن: مؤسسه الامام علی (علیهم‌السلام)، ۱۳۸۰ق.
۱۲. *الجامع المسند الصحيح*، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
۱۳. *جامع المقاصد فى شرح القواعد*، علی بن حسین کرکی، قم: مؤسسة آل البيت (علیهم‌السلام)، ۱۴۱۴ق.
۱۴. *جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام*، محمدحسن نجفی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۱۵. *الحدائق الناضرة فى أحكام العترة الطاهرة*، یوسف بن احمد بحرانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.
۱۶. *الخلاف*، محمد بن حسن طوسی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۱۷. *الدروس الشرعية فى الفقه الإمامية*، محمد بن مکى (شهید اول)، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۱۸. *ذخيرة المعاد فى شرح الإرشاد*، محمد باقر سبزواری، قم: مؤسسة آل البيت (علیهم‌السلام)، ۱۲۴۷ق.
۱۹. *الذريعة إلى أصول الشريعة*، علی بن حسین (سید مرتضی)، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ش.

۲۰. **ذكري الشيعة في أحكام الشريعة**، محمد بن مكي (شهيد اول)، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱۴۱۹ق.
۲۱. **رسائل الشريف المرتضى**، علي بن حسين (سيد مرتضى)، قم: دار القرآن الكريم، ۱۴۰۵ق.
۲۲. **روض الجنان في شرح إرشاد الأذهان**، زين الدين بن نورالدين علي بن احمد عاملی (شهيد ثاني) قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي، ۱۴۰۲ق.
۲۳. **الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية**، زين الدين بن نورالدين علي بن احمد عاملی (شهيد ثاني)، قم: كتاب فروشي داوری، ۱۴۱۰ق.
۲۴. **سنن ابن ماجه**، محمد بن يزيد بن ماجه، بيروت: دار إحياء الكتب العربية، بی تا.
۲۵. **سنن ابی داود**، ابوداود سليمان بن اشعث سجستاني، بيروت: المكتبة العصرية، بی تا.
۲۶. **السنن الكبرى**، احمد بن شعيب نسائي، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ق.
۲۷. **العدة في أصول الفقه**، محمد بن حسن طوسی، قم: محمدتقی علاقبندان، ۱۴۱۷ق.
۲۸. **الفصول الغروية في الأصول الفقهية**، محمدحسين حائري اصفهانی، قم: دار احیاء العلوم الاسلاميه، ۱۴۰۴ق.
۲۹. **الفوائد الحائرية**، محمدباقر وحيد بهبهانی، قم: مجمع الفكر الإسلامي، ۱۴۱۵ق.
۳۰. **الفوائد المليية لشرح الرسالة النفلية**، زين الدين بن نورالدين علي بن احمد عاملی (شهيد ثاني) قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي، ۱۴۲۰ق.
۳۱. **قصص الانبياء**، نعمت الله جزايري، تهران: انتشارات فرحان، ۱۳۸۱ش.
۳۲. **القوانين المحكمة في الأصول**، ابوالقاسم ميرزای قمی، قم: احیاء الكتب الاسلاميه، ۱۴۳۰ق.
۳۳. **كتاب الصلاة**، شيخ مرتضى انصاری، قم: كنگره بزرگداشت شيخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.
۳۴. **الكافي**، محمد بن يعقوب كليني، تهران: دار الكتب الاسلاميه، ۱۴۰۷ق.
۳۵. **المبسوط في فقه الاماميه**، محمد بن حسن طوسی، تهران: المكتبة المرتضويه، ۱۳۸۷ق.
۳۶. **المسائل الناصريات**، علي بن حسين (سيد مرتضى)، تهران: رابطة الثقافة و العلاقات الإسلامية، ۱۴۱۷ق.
۳۷. **المسند الصحيح**، مسلم بن حجاج، تدوين: محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت: دار احیاء التراث العربي، بی تا.
۳۸. **مصباح الفقيه**، آقارضا همدانی، قم: مؤسسة الجعفرية لإحياء التراث و مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۱۶ق.
۳۹. **معارج الأصول**، جعفر بن حسن (محقق حلی)، لندن: مؤسسه امام علي عليه السلام، ۱۴۲۳ق.
۴۰. **المعتبر في شرح المختصر**، جعفر بن حسن (محقق حلی)، قم: مؤسسة سيد الشهداء، ۱۴۰۷ق.

۴۱. **معتمد الشیعة فی احکام الشریعة**، محمد محسن فیض کاشانی، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۴۲۹ق.
۴۲. **معتمد الشیعة فی احکام الشریعة**، محمد مهدی نراقی، قم: کنگره بزرگداشت نراقی، ۱۴۲۲ق.
۴۳. **المقنع**، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام، ۱۴۱۵ق.
۴۴. **من لایحضره الفقیه**، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، تدوین: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۴۵. **منتهی المطلب فی تحقیق المذهب**، حسن بن یوسف (علامه حلی)، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۲ق.
۴۶. **موسوعة الامام الخوئی**، سید ابوالقاسم خویی، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی، ۱۴۱۸ق.
۴۷. **نهایة الوصول الی علم الأصول**، حسن بن یوسف (علامه حلی)، قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، ۱۴۲۵ق.